

ناگفته‌های فروغی از علل ناکامی ایران در راهیابی به کنفرانس صلح

۵ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۴۴

پنجم آذرماه، سالمرگ محمدعلی فروغی، ادیب، روزنامه‌نگار و سیاستمدار دوره پهلوی است. به همین مناسبت صفحات کتاب «یادداشت‌های روزانه فروغی از کنفرانس صلح پاریس ۱۹۲۰-۱۹۱۸» را بررسی کردیم تا دغدغه‌های ایران‌خواهی وی را بیابیم. وی در این یادداشت‌ها نکته‌های تازه و ناگفته فراوان درباره علل ناکامی ایران در راهیابی به کنفرانس صلح دارد.

امروز پنجم آذرماه برابر با سالروز درگذشت محمدعلی فروغی، ملقب به ذکاءالملک است. وی ادیب، روزنامه‌نگار و سیاستمدار و آخرین نخست‌وزیر دولت رضاشاه و نخستین نخست‌وزیر محمدرضاشاه بود. درباره نقش وی در حوزه سیاست تا کنون داوری‌های درست و نادرست بسیاری صورت گرفته است. هر چند قضاوت‌هایی که درباره او شده همگی بی‌غرض نبوده‌اند، از دید امروزیان نقاط تاریک و روشنی زیادی در کارنامه وی وجود دارد که باعث شده از او چندان به خوبی یاد نشود. ناگفته‌های فراوان درباره علل ناکامی ایران در راهیابی به کنفرانس صلح

با نوع نگاه‌های مختلف به این سیاستمدار ادیب باعث نمی‌شود تا از آثارش در سیاست بهره‌جوییم. هنوز کتاب «یادداشت‌های روزانه فروغی از سفر کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۸-۱۹۲۰» منبع خوبی برای رجوع سیاستمداران امروز است. به مناسبت سالروز درگذشت وی قسمت‌هایی از این کتاب را انتخاب کردیم تا از ورای یادداشت‌ها سیاستمدار پهلوی وی را بهتر بشناسیم.

کتاب «یادداشت‌های روزانه فروغی از کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۸-۱۹۲۰» از ایامی است که ذکاءالملک به سمت رئیس دیوان عالی تمیز در جزو هیات اعزامی ایران برای راهیابی به کنفرانس صلح عازم پاریس شد. وی در طول تقریباً دو سال (۱۷ دسامبر ۱۹۱۸ تا ۱۱ اوت ۱۹۲۰ / ۲۵ آذر ۱۲۹۷ تا ۲۰ مرداد ۱۲۹۹) اخبار و وقایع هر روز را یادداشت کرده و چون خود در مسیر جریان‌ها بوده و به جزئیات بسیاری ورود داشته، یادداشت‌هایش دربرگیرنده نکته‌های تازه و ناگفته فراوان درباره علل ناکامی ایران در راهیابی به کنفرانس صلح، داخل شدن ایران در مجمع ملل، روابط انگلیس‌ها با وثوق الدوله، قرارداد نهم اوت ۱۹۱۹ و بعضی از رجال سیاسی ایران در آن روزگار است. جز این، چنان که انتظار می‌رود، یادداشت‌های فروغی حاوی فواید فرهنگی و ادبی فراوانی نیز هست. این یادداشت‌ها نزدیک به صد سال نزد خانواده فروغی محفوظ بوده و اکنون برای نخستین بار منتشر می‌شود.

بی‌اعتنایی فرانسوی‌ها به هیات ایرانی

در سطوری از این یادداشت‌ها فروغی از تهیه لایحه استقلال ایران سخن می‌گوید. همچنین وی درباره برخی تبدلات با روزنامه‌های فرانسه می‌نویسد: «صبح مشغول کار بودیم و من لایحه راجع به استقلال ایران را تهیه کردم. بعد از نهار پاکت‌نویس لایحه سابق را که راجع به حقانیت ایران در قبول شدن در کنفرانس است نمودم. عصر مسیو باربی که نویسنده است در روزنامه Le Journal و اخیراً در ایران بوده و با میرزا حسین‌خان آشناست اینجا آمد و مدتی در خصوص مقاصد خودمان و مساعدت‌هایی که از روزنامجات پاریس متوقعیم (صحبت) کردیم. به عقیده او در روزنامجات وقتی باید چیز نوشت که موقع کارهای ایران باشد. چون پیش از وقت اگر نوشته شود فراموش می‌شود و بعد تکرار مطلب هم خنک است. (ص ۴۰)

در بیشتر صفحات این یادداشت‌ها ذکاءالملک در نامه‌هایی که به تهران می‌نویسد از سلطه و ترس سیاستمداران ایرانی از انگلیس سخن می‌گوید. در همین قسمت درباره هشدار وی درباره ترس ایرانیان منصب‌دار از انگلیس می‌خوانیم: «این دو روزه با انتظام‌الملک و میرزا حسین‌خان گفتگو می‌کردم که ترتیب تلگرافی به طهران داده شود که اوضاع را به آنها حالی کنیم که خیلی از انگلیس‌ها مرعوب نباشند و خود را به دامن آنها نیندازند. تلگراف را هم ترتیب داده به مشاور دادیم. اما او مخالف است و گفتگو می‌کنیم که شاید خودمان بکنیم.» (ص ۵۳)

فروغی در برخی مطالب خود از بی‌اعتنایی دولت ایران به فرستادگان پاریس گلایه می‌کند و می‌نویسد: «مشاور امشب در سر شام حاضر نبود و مهمان بود. غفارخان اینجا بود. صحبت‌های زیاد در کار مملکت و مأموریت خود کردیم. درست عکس صوت ناصرالملک است و همان حرف‌های قدیم که احزاب با هم متفق شوند و ضمناً فهمیدیم که خوب او را پخته که ایران باید خود را در دامن انگلیس بیندازد. حرف صحیحش این بود که این هیئت شما و طهران باید به اتفاق کار کنند. بدبختانه این هم نمی‌شود و از قراری که استنباط می‌شود در طهران انگلیس‌ها می‌خواهند با دولت کارها را تمام کنند و حتی‌الامکان نگذارند مطلب ایران در کنفرانس بیاید. کسی هم تا به حال در پاریس به شأن ما اعتنایی نکرده است.» (ص ۶۰)

دریغ فروغی از فرصت‌سوزی تهران در کنفرانس صلح پاریس

مطالعه یادداشت‌های فروغی اطلاعاتی از افراد هم سفر وی به ما می‌دهد، افرادی که فروغی آنها را به خوبی وصف می‌کند. درباره همسفران وی در این سفر آمده است: «در هر حال انگلیس‌ها می‌خواهند به همین حقه‌بازی‌ها سر ما را گرم کنند تا کنفرانس تمام شود. ضمناً ناصرالملک هم در این میانه بازی غریبی می‌کند و گمان من این است که سرگردانی و تردید علاءالسلطنه هم زیر سر او باشد که می‌خواهد به هر نحوی هست ایران را در دامن انگلیس بیندازد و علاءالسلطنه که آدم فقیری است در مقابل حقه‌بازی او مقهور است. غفارخان را که دیدم به کلی خر ناصرالملک است. علاءالسلطنه گمان می‌کنم از او پخته‌تر باشد. خلاصه مشاور هم که ماشاءالله خر وامانده است. تا نزدیک ظهر خواب است. بعد برمی‌خیزد یا درس انگلیسی می‌خواند یا سیگار می‌کشد و فکر می‌کند یا کارهای مختلفه. بعد از نهار هم همین‌طور و عصر گردش و مهمانی و تئاتر. نمی‌دانم پیش خود چه فکر می‌کند و هیچ خیال نمی‌کند که من در اینجا برای کاری آمده‌ام و برای موفق شدن به مقصود اقدامی باید بکنم. اگر من و میرزا حسین‌خان و انتظام‌الملک جنب و جوشی نمی‌کردیم هیچ کار تا به حال نشده بود. اگرچه حالا هم کاری نشده است ولی ما آنچه از دستمان

برمی آمده کرده‌ایم. از آن طرف ممتازالسلطنه هم جز ادعا کاری نمی‌کند و خیلی کوک است از اینکه در کارهای ما شرکت ندارد. هرچه هم به مشاور می‌گوییم که این مرد را نگهداری کند و اقلا سرش را شیره بمالد به خرجش نمی‌رود. لجوج غریبی است. غالب اوقات حرفی که می‌زنیم و راهی که پیش پایش می‌گذاریم قبول نمی‌کند و کلیه *inertie* غریبی دارد.» (ص ۶۶)

زمانی که خاطرات فروغی در سفر پاریس را ورق می‌زنید، نگرانی وی درباره وضعیت ایران و تاسف به دلیل داشتن دیپلمات‌های نالایق را درمی‌یابید، در این رابطه می‌خوانیم: «لایحه مطالبه خسارات را تمام کردیم. صبح مشاور و علاءالسلطنه و میرزا حسین‌خان و انتظام به اطاق من آمدند که صحبت‌های علاءالسلطنه را بشنوند و مشاوره کنند. تقریباً تمام وقت ما به این گذشت که باید کاری کرد که طهران با ما موافق باشد والا کار پیش نمی‌رود و هرچه خواستیم از این مرحله تجاوز کنیم، نشد. علاءالسلطنه حالیه خیلی شباهت به پدرش دارد. فکر و رای از خود ندارد. گمانم این است که آنچه می‌گوید همان است که از ناصرالملک آموخته است. ضمناً انگلیس‌ها هم او را خوب مالانده‌اند. حقیقه با این قسم دیپلمات‌ها چگونه کار ایران ممکن است صورت بگیرد. بعد از ظهر باز ممتازالسلطنه آمد و در باب لایحه مجمع ملل گفتگو کردیم. ضمناً علیقلی‌خان جوش و خروش دارد که کاری بکند که ممتازالسلطنه به کمیسیون مجمع ملل نرود و با آمریکایی‌ها صحبت کرده است که بلکه خود مشاور برود.» (ص ۷۴)

کتاب‌هایی به زبان انگلیسی که علیقلی‌خان به ذکاءالملک عیدی داد

فروغی در کنار ماموریت سیاسی که برای انجام آن در پاریس اقامت گزیده، به برخی امور شخصی نیز رسیدگی می‌کند. از جمله وی از گشت و گذار و خرید کتاب می‌گوید: «صبح خیلی دیر برخاسته روزنامه خواندم و بعد از نهار به کتابخانه رفته بعضی از کتاب‌هایی که سفارش داده بودم گرفتم. از جمله از سه جلد کتابی که میرزا عباسقلی‌خان سفارش داده بود دو جلد پیدا شده بود گرفتم. در بین راه هم یک دوره *Astronomie populaire* فرانسو آراگو در کنار رودخانه یافتیم، به دوازده فرانک خریدم. گردش کنار رودخانه و جلوی کتابفروشی‌ها برای من ضرر دارد. خلاصه منزل آمده بعد از صرف چای و نوشتن چند فقره کاغذ به احتشام همایون و غفارخان و میرزا علی‌اصغرخان، لباس پوشیده به منزل علیقلی‌خان که مهمان بودیم رفتیم و شبی نه بد و خوب گذراندیم. علیقلی‌خان چهار جلد کتاب انگلیسی به من به عنوان عیدی داد. بعضی از آنها خوب کتاب‌هایی است. اوضاع سیاسی اروپا درهم برهم است و معلوم نیست چه خواهد شد. متفقین هم در باب صلح با هم متفق نیستند و هریک دعاوی زیاد دارند. به نظر می‌آید که آینده خالی از اشکال نباشد.» (ص ۸۳)

در سطور از یادداشت‌های فروغی به برخی اتفاقات از جمله بدگویی روزنامه تایمز اشاره می‌کند و می‌نویسد: «صبح میرزا حسین‌خان آشفته بود از اینکه روزنامه تایمز مقاله نوشته و از ایران بد گفته و تقاضاهای ما را سفیهانه محسوب داشته است. گفتم آن وقت که من ترتیب آن نقشه را که شما با مسیو پرنی ترتیب دادید و به حرف ما گوش ندادید برای همین بود که امروز این طور استهزا نشویم. اما حالا هم از این بابت نباید آشفته شد و باید تلافی کرد. سر نهار با مسیو پرنی که دیشب از سفر مراجعت کرده دعوایشان شد، به واسطه اینکه در مساله ارفع‌الدوله و وزیر مختار فرانسه مزخرف می‌گفت.» (ص ۱۰۶)

کتاب «یادداشت‌های روزانه فروغی از کنفرانس صلح پاریس ۱۹۲۰-۱۹۱۸» به خواستاری زنده‌یاد ایرج افشار و تلاش مشترک محمدافشین وفایی و پژمان فیروزبخش در ۷۳۶ صفحه، شمارگان یک هزار و ۵۰۰ نسخه به بهای ۶۵ هزار تومان از سوی انتشارات سخن منتشر شده است. منبع: ایبنا

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۱۲۴/صلح-کنفرانس-راهیاب-ایران-ناکام-علل-فروغی-پای-ناگفته/>